

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۴ جنوری ۲۰۱۷

معرفی شبکه خبری وزارت اطلاعات و امنیت حکومت جهل و جنابت و ترور اسلامی!

«آکام نیوز»، یکی از شبکه‌های جاسوسی، شایعه‌پراکنی و تهدید حکومت اسلامی ایران است. این شبکه ترور و تخریب، عمدتاً در رابطه با مسایل کردستان فعال است از این‌رو، این شبکه همواره خبرهای دروغ و انحرافی در رابطه با سازمان‌ها و احزاب کردی اپوزیسیون پخش می‌کند. در اهداف این شبکه آمده است:

«آکام نیوز، با نگاهی نو به کردستان، چشم انداز جدیدی بر رویکردهای جامعه کردی ایران و گزاره‌های مؤثر در آن دارد. سعی ما بر این است در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران، نه تمامی اخبار، بلکه رویدادهای مهم را بازتاب داده و به تحلیل آن بپردازیم!

آکام نیوز با شعار کردستان در فرجام ایندولوژی‌های کلاسیک، حق هر گونه نقد و تحلیل اخبار در خصوص ایندولوژی‌های مدعی ارائه طرح برای پیشرفت کردستان را محفوظ می‌دارد!
در این راستا آماده همکاری با تمامی جوانان مستعد، نویسندگان دست به قلم، تحلیلگران حوزه قومی و کردی و اندیشمندان این حوزه می‌باشیم!

علاقه‌مندان می‌توانند در صورت تمایل به همکاری به عنوان خبرنگار، مشخصات خود را برای سایت ارسال دارند.
با تشکر

مدیریت آکام نیوز»

پس از این که در تاریخ شنبه بیست و هفتم آذر [فوس] ۱۳۹۵ - هفدهم دسمبر ۲۰۱۶، مطالبی از من به‌نام «تاکتیک‌های ترور فزیک و شخصیتی و تخریبی وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران در خارج کشور»؛ مطلب دیگری در تاریخ چهارشنبه یکم دی [جدی] ۱۳۹۵ - بیست و یکم دسمبر ۲۰۱۶ به‌نام «حکومت اسلامی ایران، حکومت چاقوکش‌ها، لات‌ها، مداحان و گروه‌های مافیائی!» و همچنین مصاحبه با رادیو شبکه زنان درباره تروریسم حکومت اسلامی ایران، در برخی شبکه‌های اجتماعی منتشر شدند فحاشی و تهدیدهای شفاهی و کتبی علیه من تشدید گردید. البته این تهدیدات برای من نه اهمیتی دارد و نه تازگی. از این‌رو، هدف این مطلب نیز معرفی یکی از این شبکه‌های

جاسوسی حکومت اسلامی، به نام «آکام نیوز» است. این شبکه خبری و شایعه‌پراکن وزارت اطلاعات و امنیت حکومت جهل و جنابت و ترور اسلامی!، مانند دیگر شبکه‌های خبری - جاسوسی نیروهای غیبی و غیرغیبی امام زمان و وزارت اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی، همواره علیه مخالفان حکومت‌شان، به‌خصوص نیروهای کردستان فعال است و خبرها و تحلیل و شایعات کذب علیه آن‌ها راه می‌اندازد.

در سی و هشت سال گذشته، پشت سر هر اقدام تروریستی خبر و تحلیل رسانه‌ها و شبکه‌های وابسته به حکومت و نیروهای امنیتی‌اش این بود که این ترورها در اثر اختلافات درونی احزاب و سازمان‌ها و با هدف پاکسازی درونی صورت گرفته است. هدف دوم حکومت اسلامی از ترورهای فزیک و تبلیغی، به‌نوعی قدرت‌نمایی است که می‌خواهد بگوید ما افراد نفوذی در درون این تشکیلات‌ها داریم و می‌توانیم از درون به آن‌ها ضربه بزنیم. البته یکی از وظایف برخی نیروهای ویژه امنیتی حکومت اسلامی، نفوذ در سازمان‌ها و احزاب سیاسی، رسانه‌های فارسی‌زبان بین‌المللی، رسانه‌های اپوزیسیون، تشکل‌های دموکراتیک و تشکل‌های فرهنگی و حتی در صورت امکان مستقیماً تأسیس چنین نهادهایی تحت عنوان تشکل‌های فرهنگی و پناهندگی با ده‌ها اسم رنگارنگ با پوشش «اپوزیسیون» است.

در زیر امیل‌های ارسالی این شبکه به امیل من که آن‌ها را با رنگ‌های آبی و قرمز برجسته کرده‌ام و همچنین ارسال خبر و تحلیل جعلی و سرتاپا دروغ اقدام تروریستی حکومت اسلامی علیه حزب دمکرات کردستان در کردستان عراق است.

Re: به بهرام رحمانی

Inkorgen ×

13:49 (4 timmar sedan)

ما از آب خوردن شما هم خبر داریم اکثر نیروهاتون با خبرگزاری های ما همکاری دارن بدون اینکه بدونید نزدیک ترین کسان به کمیته مرکزی تون حرامزاده

در ۵ دی [جدی] ۱۳۹۵ ه.ش، ساعت ۴:۴۸، akam news <akamnews95@gmail.com> نوشت:

مردک تو یه جیره خور وطن فروش هستی عین تروریستهای دمکرات که میان بین خودشون بمب گذاری میکنن و به کردن نظام میندازن اما مردم آگاه هستن

تحلیلی پیرامون بمب‌گذاری اخیر در اردوگاه حزب دمکرات کردستان:

[چرا بمب‌گذاری اخیر در اردوگاه گروهک تروریستی حزب دمکرات کردستان مشکوک است؟](#)

عده‌ای از عناصر مرکزیت حزب دمکرات کردستان (حدک) صراحتاً نسبت به برنامه‌ها و فعالیتهای خالد عزیزی ابراز مخالفت نموده و عنوان داشته اند، خالد عزیزی عامل جمهوری اسلامی می باشد و نهایتاً این موضوع باعث بروز اختلافات شدید درون گروهی گردیده و این افراد، خالد عزیزی را ناچار به استعفاء و کناره گیری از سمت خود می کنند.

رجانیوز - نادر کیانی: همانگونه که سایتهای خبری اعلام کردند، نیمه شب گذشته (۳شنبه ۳۰ آذرماه [قوس] ۱۳۹۵) اردوگاه گروهک تروریستی موسوم به حزب دمکرات کردستان شاخه خالد عزیزی بمب گذاری شد که در جریان این

بمب گذاری که به وسیله دو موتورسیکلت به وقوع پیوست، تعداد زیادی از فرماندهان و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان کشته و زخمی شدند.

به گزارش رجانیوز منابع خبری در شمال عراق اعلام کرده اند که تا این لحظه ۷ فرمانده و کادر این گروه در جریان این بمب گذاری کشته و تعداد زیادی نیز دچار سوختگی شدید شده و راهی بیمارستان کویسنجق کویه شده اند. علی قیطاسی از فرماندهان نظامی شناخته شده دمکرات که از اعضای دفتر سیاسی این گروه نیز بود از کشته شدگان است.

همچنین ارسلان عباس نیا اهل مهاباد، سالار باقری اهل بوکان، وهاب میرخضری اهل مهاباد، ناصر کریمی و عدنان عبدالله از نیروهای آسایش نیز در شمار کشته شدگان قرار دارند.

این بمب گذاری در پایان مراسم شب یلدای این گروه به وقوع پیوست. بمبها در دو موتورسیکلت پارک شده در محل جاسازی شده بودند که به فاصله زمانی بسیار اندک از یکدیگر، یکی پس از دیگری منفجر شدند.

اما با وجود آن که این بمب گذاری نیمه های شب اتفاق افتاد و هنوز تحقیقات مأموران اقلیم کردستان عراق در این ارتباط تازه شروع شده بود، در اقدامی قابل تأمل و مشکوک، به دستور رهبری این گروه، اجساد کشته شدگان بلافاصله و تنها ساعتی پس از کشته شدن، به خاک سپرده می شوند!

سرعت خاکسپاری کشته شدگان توجهات را به مشکوک بودن این حادثه بیشتر جلب کرده و این شائبه را به وجود آورده که این بمبگذاری، اقدامی درون گروهی بوده و با هدف به انحراف کشاندن تحقیقات مراجع ذیربط، گروه، تنها ساعتی پس از مرگ نیروهایش، آنها را دفن می کند!

روال طبیعی در چنین حوادثی این است که ابتداء اجساد برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شده و پس از گزارش هیأت تحقیق، اجازه دفن صادر می شود.

در همین ارتباط ذکر چند نکته لازم و ضروری است؛

عده ای از عناصر مرکزیت حزب دمکرات کردستان (حدک) صراحتاً نسبت به برنامه ها و فعالیتهای خالد عزیزی ابراز مخالفت نموده و عنوان داشته اند، خالد عزیزی عامل جمهوری اسلامی می باشد و نهایتاً این موضوع باعث بروز اختلافات شدید درون گروهی گردیده و این افراد، خالد عزیزی را ناچار به استعفاء و کناره گیری از سمت خود می کنند.

با توجه به وجود دو جناح و دسته در حزب دمکرات کردستان مدتهاست، این گروه به دو دسته تقسیم شده است. یک دسته موافق با رویکرد فعالیتهای سیاسی است و یک دسته نیز با رویکرد و فعالیتهای نظامی و مسلحانه موافق است، که در نتیجه این دو دستگی جناح نظامی کار، قدرت را در دست گرفته و خالد عزیزی را کنار می زند و حزب دمکرات کردستان (حدک) را به سمت فعالیت های نظامی و مسلحانه سوق می دهند.

این جناح برای تحقق اهداف و سیاستهای خود، چند فاز و مرحله را طراحی و پیاده سازی می کنند، که مرحله اول آن، کنار زدن خالد عزیزی و همچنین سیاست ایجاد بهانه برای شروع فعالیتهای نظامی و مسلحانه در کردستان ایران بوده که به نظر می رسد، انجام این بمبگذاری مشکوک و انتصاب آن به جمهوری اسلامی ایران، بهانه و محملی مناسب، برای تغییر رویکرد کنونی و شروع فعالیتهای نظامی می باشد.

مرحله دوم نیز وقوع انفجار و دفن سریع اجساد کشته شدگان است که با این کار، موجبات انحراف مسیر تحقیقات را به وجود خواهد آورد.

با این تفصیل همگی نشانه‌ها دلیل بر ساختگی بودن این بمب‌گذاری دارد. در خصوص این بمب‌گذاری شائبات قابل تأملی دیگری نیز وجود دارد، شائبه اول این که چگونه ممکن است با وجود تدابیر شدید امنیتی و بازرسی‌های بسیار شدیدی که در مقابل درب اصلی اردوگاه وجود دارد، دو موتورسیکلت بمب‌گذاری شده به راحتی بتوانند وارد محوطه اصلی مراسم این گروه شوند و در مقابل رهبران و فرماندهان حزب دمکرات، بمب‌ها یکی پس از دیگری منفجر شوند؟

نتیجه این که با تحلیل و ارزیابی‌های صورت گرفته در این باره، این شائبه قوت می‌گیرد که این بمب‌گذاری‌ها یک تسویه حساب درون گروهی از سوی دسته نظامی کار خالد عزیزی بوده تا به این ترتیب، حزب دمکرات کردستان تحت رهبری خالد عزیزی که موافق تعدیل فعالیت‌های مسلحانه بود را به سمت و سوی فعالیت‌های نظامی و تروریستی سوق دهند.

کد مطلب: ۳۴۴۴

آمار بازدید: ۱۲۳۸

بمب‌گذاری مشکوک در اردوگاه گروهک تروریستی حزب دمکرات کردستان+جمهوری اسلامی ایران نقشی در این بمب‌گذاری‌ها ندارد

آکام نیوز

[ارسال به دوست](#) [نسخه چاپی](#)

آکام نیوز: "نادر کیانی": همانگونه که سایتهای خبری اعلام کردند، نیمه شب گذشته (۳شنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۹۵ قوس) اردوگاه گروهک تروریستی موسوم به حزب دمکرات کردستان شاخه خالد عزیزی بمب‌گذاری شد که در جریان این بمب‌گذاری که به وسیله دو موتورسیکلت به وقع پیوسته بود، تعداد زیادی از فرماندهان و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان کشته و زخمی شدند.

۱۳۹۵ چهارشنبه ۱ دی ساعت ۱۸:۱۹



آکام نیوز: "نادر کیانی": همانگونه که سایتهای خبری اعلام کردند، نیمه شب گذشته (۳شنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۹۵) اردوگاه گروهک تروریستی موسوم به حزب دمکرات کردستان شاخه خالد عزیزی بمب‌گذاری شد که در جریان این بمب‌گذاری که به وسیله دو موتورسیکلت به وقع پیوسته بود، تعداد زیادی از فرماندهان و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان کشته و زخمی شدند.

منابع خبری در شمال عراق اعلام کرده اند که تا این لحظه ۷ فرمانده و کادر این گروه در جریان این بمب گذاری کشته و تعداد زیادی نیز دچار سوختگی شدید شده و راهی بیمارستان کویسنجق کویه شده اند. علی قیطاسی از فرماندهان نظامی شناخته شده دمکرات که از اعضای دفتر سیاسی این گروه نیز بود از کشته شدگان است.

همچنین ارسلان عباس نیا اهل مهاباد

سالار باقری اهل بوکان

و هاب میرخضری اهل مهاباد

ناصر کریمی

و عدنان عبدالله از نیروهای آسایش نیز در شمار کشته شدگان قرار دارند.

این بمب گذاری در پایان مراسم شب یلدا این گروه به وقوع پیوست.

بمب ها در دو موتورسیکلت پارک شده در محل جاسازی شده بودند که به فاصله زمانی بسیار اندک از یکدیگر، یکی پس از دیگری منفجر شدند.

اما با وجود آن که این بمب گذاری نیمه های شب اتفاق افتاد و هنوز تحقیقات مأموران اقلیم کردستان عراق در این ارتباط تازه شروع شده بود، در اقدامی قابل تأمل و مشکوک، به دستور رهبری این گروه، اجساد کشته شدگان بلافاصله و تنها ساعتی پس از کشته شدن، به خاک سپرده می شوند!!

سرعت خاکسپاری کشته شدگان توجهات را به مشکوک بودن این حادثه بیشتر جلب کرده و این شائبه را به وجود آورده که این بمب گذاری، اقدامی درون گروهی بوده و با هدف به انحراف کشاندن تحقیقات مراجع ذیربط، گروه، تنها ساعتی پس از مرگ نیروهایش، آنها را دفن می کند!

چرا که روال طبیعی در چنین حوادثی این است که ابتداء اجساد برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شده و پس از گزارش هیأت تحقیق، اجازه دفن صادر می شود.

در همین ارتباط ذکر چند نکته لازم و ضروری است؛

عده ای از عناصر مرکزیت حزب دمکرات کردستان (حدک) صراحتاً نسبت به برنامه ها و فعالیتهای خالد عزیزی ابراز مخالفت نموده و عنوان داشته اند، خالد عزیزی عامل جمهوری اسلامی می باشد و نهایتاً این موضوع باعث بروز اختلافات شدید درون گروهی گردیده و این افراد، خالد عزیزی را ناچار به استعفاء و کناره گیری از سمت خود می کنند.

با توجه به وجود دو جناح و دسته در حزب دمکرات کردستان مدتهاست، این گروه به دو دسته تقسیم شده است.

یک دسته موافق با رویکرد فعالیتهای سیاسی است و یک دسته نیز با رویکرد و فعالیتهای نظامی و مسلحانه موافق می باشند.

که در نتیجه این دو دستگی و در نهایت، جناح نظامی کار، قدرت را در دست گرفته و خالد عزیزی را کنار می زنند و حزب دمکرات کردستان (حدک) را به سمت فعالیتهای نظامی و مسلحانه سوق می دهند.

این جناح برای تحقق اهداف و سیاستهای خود، چند فاز و مرحله را طراحی و پیاده سازی می کنند.

که مرحله اول آن، کنار زدن خالد عزیزی و همچنین سیاست ایجاد بهانه برای شروع فعالیتهای نظامی و مسلحانه در کردستان ایران بوده که به نظر می رسد، انجام این بمب گذاری مشکوک و انتصاب آن به جمهوری اسلامی ایران، بهانه و محملی مناسب، برای تغییر رویکرد کنونی و شروع فعالیتهای نظامی می باشد.

مرحله دوم نیز وقوع انفجار و دفن سریع اجساد کشته شدگان است که با این کار، موجبات انحراف مسیر تحقیقات را به وجود خواهد آورد.

با این تفاسیر، همگی نشانه‌ها دلیل بر ساختگی بودن این بمب گذاری می باشد.

در خصوص این بمب گذاری شائبات قابل تاملی دیگری نیز وجود دارد،

یکی از این شائبات این است که؛

چگونه ممکن است با وجود تدابیر شدید امنیتی و بازرسی های بسیار شدیدی که در مقابل درب اصلی اردوگاه وجود دارد، دو موتورسیکلت بمب گذاری شده به راحتی بتوانند وارد محوطه اصلی مراسم این گروه شوند و در مقابل رهبران و فرماندهان حزب دمکرات، بمب ها یکی پس از دیگری منفجر شوند؟!؟!!

نتیجه این که با تحلیل و ارزیابی های صورت گرفته در این ارتباط، این شائبه قوت می گیرد که این بمب گذاری ها یک تسویه حساب درون گروهی از سوی دسته نظامی کار خالد عزیزی بوده تا به این ترتیب، حزب دمکرات کردستان تحت رهبری خالد عزیزی که موافق تعدیل فعالیت های مسلحانه بود را به سمت و سوی فعالیت های نظامی و تروریستی سوق دهند.

"نادر کیانی/خبرنگار حوزه بین الملل"

www.akamnews.com

آکام نیوز را در کانال خبری تلگرام نیز دنبال کنید

[telegram.me/akamnews](https://t.me/akamnews)

در ۳ دی [جدی] ۱۳۹۵ ه.ش، ساعت ۰۸:۰۹، Bahram Rahmani <bahram.rehmani@gmail.com> نوشت:

اولاً چرا فحاشی می کنید. من گوشه هائی از تروریسم نیروهای گمنام و با نام امام زمان و حکومتان را افشاء کرده‌ام. دوم شما هم اگر عقل و وجدان و قلم دارید می‌توانید مرا نقد و یا رد و افشاء کنید. سوم من غیر از بیان واقعیت های سرکوبگری و آدمکشی و تروریستی حکومت اسلامی ایران، هنوز کار دیگری نکرده‌ام! مگر این ترورها و کشتارها و ظلم ها و استثمارها کسب و کار هر لحظه و هر روزه و هر ماهه و هر ساله نزدیک به چهاردهه تاریخ حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی نبوده است!؟

حالا یک لحظه چشم‌هایتان را ببندید و کمی عقل تان را به‌کار بیندازید شاید آن موقع متوجه شوید که من و انسان‌های مانند من نه تنها کلاش عوضی نیستیم، بلکه کلیه حکومت اسلامی و ارگان‌ها و عوامل و جناح‌هایش، همه و همه کلاش و عوضی و آدمکش و مافیائی هستند!

به علاوه شما کی هستید که این چنین برآشفته شده‌اید؟ اگر جسارت دارید مانند من علنی و مشخص و با اسم و رسم حرف بزنید.

akam news GMT+۰۱:۰۰ ۱۶:۲۵ ۲۳-۱۲-۲۰۱۶ <akamnews95@gmail.com>

مردک حرامزاده گستاخی های زیادی بر علیه نیروهای امنیتی کشور انجام دادی خودفروش و مزدوری پیشته شاید عوضی کلاش

اولا می‌بینیم که زبان و فرهنگ و لحن شبکه‌های به اصطلاح خبری - تحلیلی ارگان‌های امنیتی حکومت اسلامی ایران، همان زبان و فرهنگ لات‌ها و لمپن‌ها و بازجویان حکومت اسلامی است. دوم این شبکه تلاش می‌کند با انتشار نوع خاصی خبر و تحلیل ساختگی و جعلی نشان دهد که اقدام تروریستی علیه اردوگاه حزب دموکرات، نه از سوی نیروهای امنیتی حکومت اسلامی، بلکه نتیجه دعوای درون سازمانی‌شان بوده است. اما کسی که کمترین اطلاع و آگاهی سیاسی و اجتماعی داشته باشد نه تنها به این نوع خبرها و تحلیل‌ها اهمیتی نمی‌دهد، بلکه انگشت اتهام خود را مستقیماً و محکم به سوی حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی می‌گیرد!

ترور در اردوگاه حزب دموکرات، کار نیروهای امنیتی حکومت اسلامی بوده و به درستی بیش‌تر جریانات سیاسی چپ نیز آن را محکوم کرده و باید این ترور را شدیداً محکوم کرد.

حکومتی که ۳۸ سال است آدم می‌کشد بی تردید نسلی که به‌ویژه در این دوره در شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی آموزش دیده‌اند بی‌رحم‌ترین و خشن‌ترین و بی‌عاطف‌ترین و در عین حال سمج‌ترین و پرروترین آدم‌ها هستند که مانند روبات کار می‌کنند و دوست و دشمن نمی‌شناسند جز حفظ موقعیت خود و تأمین نیازهایشان. در واقع سانسور و شکنجه و اعدام و ترور کسب و کار دایمی همه سران و مقامات و عوامل حکومت اسلامی در این نزدیک به چهار دهه گذشته بوده است.

برای این که بیش‌تر با ویژگی‌های جاسوسان و تروریست‌های حکومت اسلامی و نوع فعالیت آن‌ها آشنا شویم در این‌جا به‌چند نمونه اشاره می‌کنیم.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت، وزارت اطلاعات در رابطه با «امنیت فضای مجازی و پالایش آن برنامه‌های سنگینی» دارد. هم‌زمان سخنگوی ناجا از برخورد با ۳۰۰ کانال تلگرامی و حساب اینستاگرامی خبر داد.

حسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، روز شنبه ۴ دی ۱۳۹۵ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۶، از تشکیل جلسه این کمیسیون با حضور معاونان وزارت اطلاعات و قائم مقام این وزارتخانه خبر داد. نقوی حسینی گفت، این جلسه «جهت بررسی بودجه و اعتبارات دستگاه امنیت» تشکیل شده است... به‌ادعای نقوی حسینی، معاون امنیتی وزارت اطلاعات همچنین گفته است که این وزارتخانه در رابطه با «گروه‌ها و حلقه‌های انحرافی» نیز «برنامه‌های گسترده و دقیقی دارد و موفقیت‌های چشمگیری نیز تاکنون به‌دست آورده است». نقوی حسینی، البته توضیحی نداده که منظور معاون امنیتی وزارت اطلاعات از «گروه‌ها و حلقه‌های انحرافی» چیست، اما از قول او افزوده است که «اقتدار امنیتی جمهوری اسلامی ایران امروز در حدی است که تهدیدات امنیتی را در خارج از مرزها مدیریت می‌کند».

حسین نقوی حسینی، همچنین ضمن اشاره به این‌که «امنیت فضای مجازی و نحوه حفظ امنیت و پالایش آن» یکی از موضوعات بحث با معاونان وزارت اطلاعات بوده، افزود: «در این زمینه وزارت اطلاعات برنامه‌های سنگینی دارد زیرا تهدیدات این بخش متوجه صنایع زیربنایی و مادر می‌شود و نیازمند حمایت است».

ماهیت تهدیداتی نیز که در فضای مجازی متوجه «صنایع زیربنایی و مادر» است در اظهارات سخنگوی کمیسیون امنیت ملی ناروشن می‌ماند. اما با توجه به تأکیدهای مکرر علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، بر مسأله «نفوذ دشمن» که از آن به‌عنوان «هشدارهای راهبردی» نام برده می‌شود، به‌نظر می‌رسد که دامنه‌ی برنامه‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران بسیار فراگیر باشد.

محمود علوی، وزیر اطلاعات حکومت اسلامی، آبان ماه سال ۱۳۹۴، در جلسه شورای اداری استان کردستان در همین رابطه گفته بود: «در شرایط کنونی جامعه که کشور بیش‌تر در معرض آسیب است، باید مراقب باشیم و کسانی را که در راستای اهداف دشمن حرکت می‌کنند، شناسایی کنیم». علوی افزوده بود: «در کنار این مهم باید عناصر نفوذ و منافذی را که در پوشش فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و هنری بخواهند به نظام در راستای منافع خود ضربه بزنند بشناسیم».

وزیر اطلاعات دولت شیخ حسن روحانی، ضمن اشاره به این‌که «عرصه فضای مجازی می‌تواند بستری برای نفوذ دشمن باشد» مدعی شده بود که نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران «به این مسأله که چه کسانی با حضور خود در کشور به‌دنبال فعالیت سالم اقتصادی، علمی و پژوهشی هستند و چه کسانی دنبال اهداف دیگر می‌باشند، اشراف کامل دارد». به فاصله کوتاهی پس از تشکیل جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس با حضور معاونان وزارت اطلاعات، سعید منتظرالمهدی، سخنگوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا)، از «شناسایی و برخورد با ۳۰۰ کانال اینستاگرامی و تلگرامی» خبر داد که به گفته‌ی او "در حوزه‌های مدلینگ، همسریابی، دوست‌یابی، صیغه و ... اقدام به سرقت و اخاذی از شهروندان کرده بودند». سخنگوی ناجا افزود: «۲۴ درصد از جرائم مربوط به این حوزه است که بالای ۹۰ درصد آن کشف می‌شود».

اواسط ماه آرمه گذشته نیز محمد جعفر منتظری، دادستان کل کشور، گفته بود: «دشمن از این فضا(فضای مجازی) برای ضربه‌زدن به‌دین و فرهنگ جامعه استفاده کرده و به‌نوعی شیخون زده به‌مقدسات کشور و علیه ما یک جنگ نرم راه انداخته است که باید با آن مقابله کنیم». به‌گفته منتظری، پولیس فتا «به‌هفته ۱۳ تا ۱۴ هزار شبکه رایانه‌ای را که «مرتکب جرم می‌شوند» فیلتر می‌کند».

منتظری، یکی از علت‌های افزایش جرایم سایبری را «تهاجم فرهنگی که دشمن تدارک‌دیده» عنوان کرده بود. دادستان کل کشور، همچنین گفته بود: «استفاده از فضای مجازی از ضروریات زندگی در سطح جهان است. فناوری خوبی است و می‌توان در بخش‌های مختلف از این تکنیک استفاده کرد اما متأسفانه این فضا از طریق جریاناتی در خارج کشور مورد حمله قرار گرفته تا به نظام جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند».

چندی پیش نیز رسانه‌ها از احضار و بازجویی مدیران چندین کانال شبکه اجتماعی تلگرام در ایران خبر دادند. هم‌زمان پولیس حکومت اسلامی ایران اعلام کرد که کانال‌های تلگرامی با بیش از ۵ هزار دنبال‌کننده، موظف هستند برای فعالیت خود مجوز بگیرند.

سرپرست دادسرای مشهد نیز حدود سه ماه پیش از «دستگیری ۶ نفر از گردانندگان یک شبکه مدلینگ» و احضار ۱۷ نفر به دادگاه در این رابطه خبر داد. به‌گفته این مقام مسؤل، این افراد اقدام به‌انتشار «تصاویر مستهجن و مبتذل» در شبکه‌های اجتماعی می‌کردند و فعالیت‌هایشان «غیرقانونی و غیراخلاقی» بوده است. قاضی خدابخشی، همچنین «ترویج سبک زندگی غربی» را از دیگر اتهامات این افراد دانسته و گفته بود: «این شبکه‌ها با انتشار تصاویر مستهجن و ترویج فساد و بی‌بندوباری اقدام به ترویج سبک زندگی غربی می‌کردند و در تلاش برای از بین بردن اصول و ارزش‌های مذهبی جامعه بودند که پیگیری این مورد با دستور قضائی از سوی معاونت اطلاعات سپاه در دستور کار قرار گرفت».

چند ماه پیش نیز سایت اطلاع‌رسانی سپاه پاسداران استان فارس، از قول یک منبع آگاه امنیتی اعلام کرد که ۱۷۰ مدیر گروه یا کانال اجتماعی و نیز تعدادی از کاربران فضای مجازی احضار و برخی هم دستگیر شده‌اند.

بنا به این گزارش، شماری از کاربران پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم جزو افراد احضار یا دستگیر شده بوده‌اند. اتهام آنان فعالیت در «حوزه‌های ضد امنیت اخلاقی، چرخه مدلینگ مجرمانه و توهین به عقاید دینی مردم» عنوان شده بود. عرصه فعالیت افراد احضار یا دستگیر شده نیز تلگرام، واتساپ و اینستاگرام ذکر شده بود. اواخر خرداد ماه سال جاری نیز مقام‌های قضائی و امنیتی اعلام کردند که برای جلوگیری از فساد و مقابله با "نفوذ" دشمنان، کنترل بر فضای مجازی را افزایش داده‌اند. عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، روز ۳۱ خرداد ۲۰ ژوئن، گفت، ۱۷ نفر از «سرشبکه‌های جریان سازمان‌یافته علیه اخلاق و عفت عمومی» در تهران بازداشت شده‌اند. او مدعی شد که متهمان از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی «فعالیت مجرمانه» داشته‌اند. مطابق گزارش‌ها در حال حاضر بیش از ۴۰ میلیون گوشی موبایل هوشمند در اختیار کاربران ایرانی قرار دارد که دست‌کم ۳۰ میلیون آن‌ها از خدمات شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های خارجی استفاده می‌کنند. همچنین به گزارش خبرگزاری مهر در روز ۱۷ آذر ماه، در حالی که میلیون‌ها ایرانی از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های خارجی استفاده می‌کنند، سرویس‌هایی «مانند توییتر، کلوب، فیس‌نما، فارس‌تویتر، هم‌بهن و افسران که در رده‌های نخست پرتعدادترین شبکه‌های بومی قرار دارند، هر یک دارای چند ده هزار کاربر هستند».

ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی، به خبرگزاری مهر گفته بود: «اگر تعداد کاربران ایرانی تلگرام ۲۴ میلیون برآورد می‌شود، واتساپ هم ۱۴ میلیون عضو ایرانی دارد و اینستاگرام نیز چیزی در حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون عضو دارد. این در اختیار مردم است که با توجه به میزان درخواست خود از سرویس، شبکه اجتماعی مورد علاقه خود را انتخاب کنند».

با وجود تهدیدها و محدودیت‌هایی که برای استفاده از شبکه‌های مجازی خارجی در ایران وجود دارد، استقبال کاربران از آن‌ها به‌گونه‌ای است که اغلب مسؤولان ارشد دولتی و حکومتی نیز برای ارتباط با مخاطبان در این شبکه‌ها فعال هستند.

برخی تحلیلگران در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری را نیز از دلایل تمرکز بیشتر نهادهای امنیتی و قضائی بر شبکه‌های مجازی می‌دانند. به باور کارشناسان و فعالان فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر نتایج سه انتخابات اخیر ایران داشته‌اند.

خبرگزاری فارس، یکی از رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی است. این رسانه وابسته به سپاه پاسداران با همکاری دیگر رسانه‌های امنیتی یکی از کار ویژه‌هایی که دارند تولید اخبار کذب و سیاه‌نمایی در مورد چهره‌های زندانیان سیاسی و... است.

اما هدف و ماهیت از راه‌اندازی رسانه‌های امنیتی چیست؟ مدیران رسانه‌های امنیتی چه کسانی هستند؟ منابع تأمین‌کننده این رسانه‌ها کجاست؟

این تنها حکومت‌های مستبد نیستند که از رسانه‌ها برای پیشبرد مقاصد خود و حفظ دستگاه قدرت استفاده می‌کنند. کارل برنشتاین برنده جایزه پولیتزر ۱۹۷۳ در حیطه خدمات عمومی، پس از آن‌که واشینگتن‌پست را ترک کرد، طی تحقیق مفصلی که سال ۱۹۷۷ در رولینگ استون منتشر شد، به‌نقش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای) در به‌کارگیری رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در دوران جنگ سرد پرداخت.

امروزه و با پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی و دستیابی ساده و سریع شهروندان به رسانه‌های الکترونیک، کمتر سازمان امنیتی در کشورهای پیشرفته حاضر است روش‌های قدیمی را در نفوذ به رسانه‌ها با توجه ریسک حیثیتی آن دنبال کند. در سال گذشته میلادی شاهد بودیم که تنها یک مورد انتشار اسناد مربوط به جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی ایالات

متحد از شهروندان در رسانه‌ها توسط ادوارد اسنودن، یکی از بزرگترین جنجال‌ها علیه سازمان‌های مذکور را رقم زد.

حکومت‌های اقتدارگرا اما که خود را در برابر افکار عمومی و حتی قوانینی که خود وضع کرده اند، مسوول و پاسخگو نمی‌دانند، کماکان ابائی از به کار بردن شیوه‌هایی چون تأسیس یا حمایت مالی از رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی یا رسانه‌هایی که در راس و بدنه آن‌ها نیروهای وابسته به حکومت کار کنند، ندارند. جمهوری اسلامی یکی از این حکومت‌هاست که دستگاه امنیتی آن با سرمایه‌گذاری در حیطه رسانه نیروهای خود را به مدیریت آن‌ها می‌گمارد.

خبرگزاری فارس در بهمن ماه سال ۸۱ تشکیل شد، این خبرگزاری که یکی از زیر مجموعه‌های سازمان بسیج و یکی از رسانه‌های تحت حمایت سپاه پاسداران است، در اوایل به دلیل نداشتن نیرو تخصصی در امر رسانه، مهدی فضائلی را به سمت مدیر عامل برگزید. مهدی فضائلی عضو شورای عمومی فرهنگی بود که یکی از نهادهای زیر مجموعه بخش فرهنگی بیت رهبری است.

او به‌همین واسطه توانست مدیرعامل خبرگزاری فارس شود هر چند روابط خانوادگی فضائلی هم در رسیدن به مدیریت خبرگزاری فارس بی‌تأثیر نبود. برادر فضائلی با نام احمد فضائلی که یکی از سرداران سپاه پاسداران است که در دوران جنگ همراه با غرضی و رحیم صفوی وظیفه واردات اسلحه از لبنان به ایران را داشتند.

البته باید این نکته را در نظر داشت که مهدی فضائلی نسبت به دیگر مدیران خبرگزاری فارس آشنائی بیشتری با حوزه فرهنگ و رسانه داشت و در ابتدای راه‌اندازی خبرگزاری فارس این سایت بیش‌تر نقش اطلاع‌رسانی را بر عهده داشت، و اگرچه سپاه در آن نفوذهایی داشت اما هنوز آشکار نبود.

خبرگزاری فارس در همان سال‌های ابتدائی تبدیل به یکی از منابع خبری معتبر برای رسانه‌های داخلی و خارجی شد، اما چهره امنیتی فارس و جهت‌گیری آن ابتدا در سال ۸۴ در انتخابات ریاست جمهوری هشتم آشکار شد.

سایت فارس در آن روزها شروع به تخریب چهره هاشمی رفسنجانی و از سوی دیگر تبلیغ چهره احمدی‌نژاد کرد. این وظیفه را هم محمد پاریاب دبیر سرویس سیاسی خبرگزاری فارس و یکی از اعضای سابق نشریه صبح صادق وابسته به ارگان سپاه پاسداران بر عهده داشت.

وی به دلیل خوش خدمتی هایش بعد از انتخابات ریاست جمهوری هشتم، در تاریخ ۱۴ دی ماه ۸۴ طی حکمی از سوی غلامحسین الهام، سخنگوی دولت احمدی‌نژاد، به‌عنوان معاون سخن‌گو و دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت منصوب شد.

بعد از انتخابات سال ۱۳۸۴، ماهیت امنیتی خبرگزاری فارس و وابستگی آن به سپاه کامل محرز شد و اخبار و مطالب منتشر شده کاملاً جهت دار شدند. اما در سال ۸۷ با انتصاب یک چهره نظامی و امنیتی به عنوان مدیر عامل خبرگزاری فارس که هیچ سررشته‌ای در حوزه فرهنگ و رسانه نداشت، مهدی فضائلی از خبرگزاری فارس رفت و در سال ۸۹ به‌عنوان مدیرعامل انتشارات سروش منصوب شد؛ البته فضائلی به عنوان دبیر کل انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان نیز در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ فعالیت می‌کرد.

به این ترتیب حمیدرضا مقدم فر از سرداران سپاه پاسداران که با نام مستعار حاج حمید ناصری در سپاه قدس فعالیت می‌کرد به عنوان مدیرعامل خبرگزاری فارس منصوب شد. با ورود مقدم فر به خبرگزاری فارس، این خبرگزاری چهره امنیتی‌تری به خود گرفت و بعد از آن بخشی با نام «اخبار ویژه» در این خبرگزاری راه‌اندازی شد، که اخبار را به رسانه‌های مختلف می‌فروخت.

در همین اثنا مقدم فر با راه‌اندازی خبرگزاری توانا به‌عنوان زیر مجموعه خبرگزاری فارس به تمام مساجد برای جذب نیرو فراخوان داد و آنان را آموزش داد و بعد از تصفیه گسترده خبرگزاری فارس، این نیروهای آموزش دیده وارد

مجموعه فارس و جایگزین نیروهای قبلی شدند. تمامی نیروهای جدید توسط عباس درویش توانگر، سردبیر خبرگزاری فارس گزینش می‌شدند و سپس اجازه ورود به خبرگزاری را پیدا می‌کردند. در اصل آن‌ها باید از فیلتر توانگر عبور می‌کردند تا مجوز حضور در خبرگزاری فارس را بگیرند.

انتخاب مدیر عامل جدید خبرگزاری فارس کاملاً هدفمند بود و با برنامه‌ریزی مشخصی که از سوی سپاه پاسداران جهت مدیریت اخبار در انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۸۸ صورت گرفته بود. اولین سایتی که خبر پیروزی احمدی نژاد با ۲۴ میلیون رای را منتشر کرد خبرگزاری فارس بود، آن هم در حالی که هنوز بسیاری از حوزه‌های رای‌گیری دایر بودند و شمارش آرا آغاز نشده بود.

بعد از انتخابات سال ۸۸ و پایان مأموریت حمیدرضا مقدم، وی بار دیگر به سپاه پاسداران بازگشت و با یک درجه ارتقاء سرتیپ تمام شد و به‌عنوان معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران مشغول به کار شد.

بعد از حمید رضا مقدم، سردبیر روزنامه جوان سید نظام موسوی به عنوان مدیر عامل فارس منصوب شد. سید نظام موسوی یکی از نیروهای تئوریک بسیج است که فعالیتش را از بسیج دانشجویی دانشگاه تهران آغاز کرده و از نیروهای نزدیک به علیرضا زاکانی، از نمایندگان تندروی مجلس شورای اسلامی، به‌شمار می‌رود.

سید نظام موسوی که همکاری خود را با علیرضا زاکانی در زمان ریاست بسیج دانشجویی دانشگاه تهران آغاز کرد، در بین سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۷۵) وظیفه تهیه بیانیه‌های بسیج دانشجویی را بر عهده داشت. اما به دلیل اینکه بسیاری از نیروهای خبرگزاری نزدیک به عباس درویش توانگر بودند و در اصل او مدیر عامل در سایه خبرگزاری فارس بود، اختلافات شدیدی با سید نظام موسوی پیدا کرد و همین موضوعات باعث شد که عباس درویش توانگر در سال ۹۱ از فارس خارج شود.

حمیدرضا مقدم بعد از خارج شدن از فارس، در زمانی که معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران بود، اقدام به راه‌اندازی خبرگزاری تسنیم، دیگر رسانه امنیتی و وابسته به سپاه پاسداران کرد. دیدگاه‌های قالب بر این خبرگزاری کاملاً امنیتی و همان دیدگاه‌های تیم سابق مقدم‌فرد در فارس بود. بعد از جدا شدن عباس درویش توانگر از خبرگزاری فارس به دلیل روابط نزدیک وی با حمید رضا مقدم، توانگر به عنوان سردبیر خبرگزاری تسنیم منصوب شد.

تمام نیروهای تحریریه فارس هم که همگی از فیلتر درویش توانگر عبور کرده بودند به عنوان خبرنگار در خبرگزاری تسنیم فعالیت خود را آغاز کردند. این خبرگزاری هم در راستای تأمین خواسته‌های مدیران خود که سرداران سپاه پاسداران هستند حرکت می‌کند؛ عباس درویش توانگر در دوره احمدی‌نژاد به‌دلیل شکایت دولت از وی چند ساعت را در بازداشت گذراند.

خبرگزاری تسنیم که به موازات خبرگزاری فارس فعالیت می‌کند در انتخابات دهم ریاست جمهوری اولین خبر رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی و اسفندیار رحیم‌مشائی را منتشر کرد.

روزنامه جوان، دیگر رسانه امنیتی زیر نظر سازمان بسیج است که از سال ۷۸ زیر نظر مؤسسه‌ای با نام «رزمندگان اسلام» فعالیت می‌کند که کارهای فرهنگی انجام می‌دهد و از مؤسسات وابسته به سپاه پاسداران است. در سال ۸۷، این مؤسسه منحل شد و چاپخانه آن که یکی از چاپخانه‌های مجهز است به‌روزنامه جوان، تنها نهاد باقی‌مانده از سازمان، رسید.

به‌همین دلیل، این روزنامه به‌مشکلات و هزینه‌چاپی برخورد نمی‌کند و هزینه‌های خود را توسط همین چاپخانه تأمین می‌کند؛ البته کمک‌های دولتی نیز شامل این روزنامه می‌شود. اما در سال ۸۷ با آمدن سید نظام موسوی به‌روزنامه جوان، به‌عنوان مدیرمسئول، کلیه کادر مالی، بازرگانی و بخشی از تحریریه تغییر کردند و روزنامه جوان در آن

سال‌ها، به‌خصوص در سال ۸۸ به‌خاطر وابستگی نظام موسوی به‌منابع سپاه و بسیج یکی از پرخواننده‌ترین روزنامه‌های کشور شد.

اما منابع اطلاعاتی روزنامه با هیچ یک از خبرنگاران در تماس نبودند و اخبار تنها در اختیار نظام موسوی قرار می‌گرفت و منتشر می‌شد. با رفتن سیدنظام موسوی به خبرگزاری فارس، محمد ودوحیدری، از نیروهای تئوریک بسیج و سپاه پاسداران که قائم مقام وقت نهاد نمایندگی ولایت فقیه در دانشگاه و داماد سردار عبدالله عراقی جانشین فرمانده نیروهای زمینی سپاه پاسداران بود، جایگزین نظام موسوی شد.

محمد ودوحیدری که هیچ‌گونه سابقه رسانه‌ای نداشت و مدرک دکترای عمومی داشت، صرفاً به‌واسطه روابط خانوادگی عهده‌دار چنین مسئولیتی شد. در سال‌های مدیریت ودوحیدری روزنامه جوان با کاهش شدید مخاطب روبرو بود تا این‌که در سال ۹۲ او به خواسته خود که ریاست بسیج دانشجویی بود رسید و رفت.

بعد از او عبدالله گنجی قائم مقام بسیج دانشجویی و استاد دانشگاه علامه که دکترای علوم سیاسی داشت به عنوان مدیر مسؤول روزنامه جوان منصوب شد. روزنامه جوان یکی از رسانه‌های امنیتی است که بیش‌ترین تغییر را در سیستم مدیریتی داشته است.

منابع مالی رسانه‌های امنیتی

خبرگزاری فارس بودجه خود را از سازمان بسیج دریافت می‌کند. براساس قانون برنامه چهارم توسعه بایستی هر سال ۴۰۰ میلیارد تومان برای بسیج در نظر گرفته شود که در سال اول برنامه یعنی سال ۱۳۸۴، ۱۷۳ میلیارد تومان و در سال ۸۵ نیز مجدداً ۱۷۳ میلیارد تومان در نظر گرفته شده‌است. به‌گفته فرمانده بسیج و نشریه صبح صادق ارگان دفتر سیاسی سپاه بودجه این نهاد در سال ۱۳۸۷، ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

به‌صورت جداگانه از این بودجه، ۵۰ میلیارد تومان نیز برای کمک به بسیجیان بیکار در نظر گرفته شده است. در سال ۱۳۸۸ هم بر اساس اعلام نشریه برنامه ارگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، بودجه بسیج ۴۵ میلیارد و ۲۳۸ میلیون تومان افزایش یافت.

خبرگزاری تسنیم، بودجه خود را از معاونت فرهنگی سپاه پاسداران دریافت می‌کند اما به دلیل اینکه ردیف بودجه نهادهای زیر مجموعه سپاه پاسداران محرمانه است این امر تاکنون مشخص نشده است.

بودجه کل سپاه پاسداران از طریق فعالیت‌های اقتصادی در هر سال حدود ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است و مقایسه آن با بودجه سازمان بسیج نشان می‌دهد که این رقم بسیار بیشتر از بودجه سازمان بسیج است که تأمین‌کننده مالی خبرگزاری فارس است.

در کل می‌توان نتیجه گرفت با توجه به این‌که سپاه پاسداران، سازمان بسیج و دیگر نهادهای نظامی و امنیتی که تحت نظر فرماندهی کل قوا یعنی خامنه‌ای هستند، این رسانه‌ها همگی، چه از نظر مدیریتی و مالی توسط نهادهای زیر مجموعه «بیت رهبری» تأمین می‌شوند و با توجه به حمایت‌هایی که از آن‌ها صورت می‌گیرد اجازه انتشار هر نوع مطلبی را دارند. این رسانه‌های امنیتی در اصل ابزاری برای این نهادها هستند تا اگر بخواهند شخص، گروه، حزب یا رسانه‌ای را تخریب کنند یا برچینند از آن‌ها استفاده و تفکراتشان را توسط این رسانه‌ها به‌جامعه القاء می‌کنند.

خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، با تأکید بر «ظرفیت غنی وزارت اطلاعات در برخورداری از نیروها و جوانان مؤمن و انقلابی»، خطاب به‌مدیران این وزارتخانه گفت: «نسل جدید وزارت اطلاعات را هم‌چون گذشته، ارزشی و انقلابی، رشد و ارتقا دهید».

خامنه‌ای روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد، در دیدار با محمود علوی وزیر اطلاعات ایران و معاونان و مدیران این وزارتخانه تأکید کرد: «مبانی و جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی باید به‌طور کامل در وزارت اطلاعات حفظ شود». او افزود: «وزارت اطلاعات، پوسته سخت نظام است و به‌هیچ‌وجه نباید آسیب‌پذیر شود».

ملاحظات خامنه‌ای در مورد نسل جدید وزارت اطلاعات در حالی عنوان شده که با گذشته حدود ۳۲ سال از تشکیل این وزارتخانه، بسیاری از نیروهای قدیمی آن در آستانه بازنشستگی هستند یا بازنشسته شده‌اند و در سال‌های اخیر، نحوه جایگزینی نیروهای قدیمی، یکی از چالش‌های مطرح در ارتباط با این وزارتخانه بوده است.

در ارتباط با همین چالش، در خرداد سال ۱۳۹۰، قانونی در مجلس ایران به‌تصویب رسید که به وزارت اطلاعات اجازه می‌داد بازنشستگان این وزارتخانه را که آمادگی خدمت دارند و سن آن‌ها به ۶۵ سال نرسیده مجدداً به‌کار بگیرند. کارکنان وزارت اطلاعات با ۳۰ سال سابقه کار بازنشسته می‌شوند، هرچند در شرایط خاص، امکان ادامه فعالیت تا ۳۵ سال را هم خواهند داشت.

خامنه‌ای، در بخش دیگری از اظهارات امروز خود در جمع مدیران وزارت اطلاعات، بر اهمیت «ابجاد خط فاصل با رأس جریان استکبار یعنی امریکا» تأکید کرده و گفته است که «این مسأله جای هیچ‌گونه مسامحه و سهل‌انگاری ندارد».

وی نقش این وزارتخانه را در «تحقق اقتصاد مقاومتی» و «برخورد و پیشگیری از مفساد اقتصادی» مهم دانسته و افزوده است: «وزارت اطلاعات در هر بخشی که می‌تواند پایگاهی برای کمین دشمن و ضربه‌زدن به نظام اسلامی قرار بگیرد، باید حضور داشته باشد و آن بخش را حوزه کاری خود بداند».

خامنه‌ای به‌طور معمول، هر سال مجموعه مدیران ارشد وزارت اطلاعات را به‌حضور می‌پذیرد و خبر کوتاهی از این دیدار رسانه‌ای می‌شود.



عکس‌های منتشر شده از دیدارهای سالانه خامنه‌ای با مدیران وزارت اطلاعات معمولاً از پشت سر مدیران گرفته می‌شود تا جز قیافه شخص وزیر، چهره سایر آن‌ها قابل رویت نباشد.

بدین ترتیب، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران، علاوه بر تلاش پیگیر و مداوم برای نفوذ در سازمان‌های سیاسی، اجتماعی، نهادها، رسانه‌ها و شبکه‌های سیاسی اپوزیسیون، همچنین با نام‌های مختلف شبکه‌های خبر - تحلیلی باز می‌کنند و حتی گاهی از نیروهای اپوزیسیون درخواست می‌کنند که مطالب خود را به این شبکه بفرستند تا از این طریق نیز اطلاعات ضروری خود را جمع‌آوری کنند.

این شبکه‌ها، برخی مواقع چهره و اهداف واقعی خود را می‌پوشانند تا نظر و اعتماد شما را به‌خود جلب کنند بیشتر اوقات خود را از نیروهای طرفدار این و یا آن سازمان اپوزیسیون و مخالف حکومت اسلامی معرفی می‌کنند این در حالی است که این‌جور افراد در سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی مشغول به‌فعالیت هستند و هرگز خود را معرفی نمی‌کنند و یا گاهی اثری یا نشانی از خود به‌جا نمی‌گذارند و ...

«جنگ روانی» که یکی از آموزش‌های پایه‌ای مأمورین اطلاعاتی و امنیتی است سابقه‌ای طولانی در تاریخ جوامع دارد. این نوع جنگ از ارتباط چهره به چهره تا اجتماعات بزرگ و کوچک را در بر می‌گیرد؛ با این حال، حدود پس از جنگ دوم جهانی بود که این اصطلاح به‌محافل علمی امریکا و اروپا و وازگان سیاسی راه یافت و معناهای گوناگونی از آن تعبیر و تفسیر شد.

عملیات جنگ روانی ممکن است کوتاه‌مدت یا درازمدت باشد اما جهت تأثیرگذاری بیشتر و قوی‌تر، معمولاً از شیوه‌ها و تکنیک‌های خاصی که به‌آن‌ها تکنیک‌های جنگ روانی گفته می‌شود، متوسل می‌شوند. تحقیقات و بررسی‌ها نشان داده‌اند که تکنیک‌های جنگ روانی، شاید به‌بیش از ۱۰۰ مورد نیز برسد.

کارشناسان می‌گویند که به‌کارگیری بعضی عناوین مثبت مانند دمکرات، آزادی‌خواه، نجات‌بخش یا بعضی عناوین منفی مانند تروریست، متحجر و ... ممکن است ما را به نتیجه‌ای متفاوت سوق دهد و نوع برداشت ما را نسبت به یک فرد و یا مفهوم خاص متأثر سازد.

جوزف گوبلز، مدیر نظام داخلی تبلیغاتی المان هیتلری را مثال می‌آورد که همواره از عبارت تئودور کافمن بهره می‌گرفت که گفته بود «المان باید نابود شود» و گوبلز از این طریق ادعا می‌کرد که متفقین در پی نابودی المان هستند. آدولف هیتلر در اشاره به‌تهدید کمونیسم، همواره پیوستن به حزب نازی را به‌عنوان راه حل ارائه می‌کرد. او توانست با علم‌کردن تهدید یهودیان و کمونیست‌ها و منسجم‌ساختن حزب نازی، تا حدی به اهداف توسعه‌طلبانه خود دست پیدا کند. به‌عبارت دیگر، تکرار مثل ضربه‌های پی‌پی‌چکش است که سرانجام میخ را به‌داخل می‌راند. بنابراین فرستنده پیام امیدوار است که این شکل از ضربه زدن مداوم، باعث دریافت نکات پیام شود. لئونارد دوب بهترین وجه، تمرکز روی تکنیک تکرار را توصیف کرده است؛ «بسیاری از مردم درباره تبلیغ می‌اندیشند. آن‌ها مشاهده کرده‌اند که ظاهراً تکرار می‌تواند معجزه‌های روانشناسانه‌ای انجام دهد. البته تکرار در حقیقت مهم است اما نباید در این اهمیت مبالغه کرد یا درباره آن به خطا رفت».

بسیاری از رسانه‌های خبری و یا افراد نفوذی در این رسانه‌ها، برای القای بی‌طرفی خود به مخاطبان و در نتیجه جلب اعتماد آنان، از تاکتیک تظاهر به بی‌طرفی استفاده می‌کنند. در این تاکتیک، سخنان و دیدگاه‌های مخالفان به اشکال مختلف نظیر گزارش، مصاحبه و خبر منعکس می‌شود. رسانه به‌دلیل اتخاذ یک موضع بی‌طرف، اعتبار بیشتری در میان مخاطبان خود کسب می‌کند.

تافلر مثالی را مطرح می‌کند. او می‌نویسد: «زمانی که یک دختر ۱۵ ساله کویتی، در برابر کنگره امریکا شهادت داد که سربازان عراقی در کویت، نوزادان را می‌کشتند و دستگاه‌های نگهداری نوزادان را به عراق منتقل می‌کردند، دل خیلی از مردم جهان به درد آمد؛ درحالی‌که به جهانیان گفته نشد که وی دختر سفیر کویت در واشنگتن و عضو خانواده سلطنتی است و شهادت او کاملاً صحنه‌سازی شده است».

در شیوه‌های جدید، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است. در زمانه‌ای که تروریست‌های حکومت اسلامی نمی‌توانند فردی را ترور فیزیکی کرد یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، سعی می‌کنند از طریق

عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی شخصیت‌های مطرح و مؤثر در جناح مقابل را به زیر ذرهبین کشیده و با بزرگنمایی نقاط ضعف، آنان را ترور شخصیت کنند.

هدف، ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم از طریق به‌تصویرکشیدن نقاط ضعف و حرکات نادرست آن‌هاست. این عوامل باعث می‌شوند فعالین ذی‌نفوذ نزد مخاطبان، دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند.

تاکتیک قدیمی دروغ که هنوز هم برخی رسانه‌ها به‌طور فراوان از آن استفاده می‌کنند، عمدتاً برای مرعوب‌کردن حریف یا حتی برای مرعوب‌کردن افکار عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بدین معنی که پیامی را که به هیچ‌وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند. معروف‌ترین استفاده این تاکتیک، در زمان هیتلر و توسط گوبلز بوده است. گوبلز می‌گوید: دروغ هر چه بزرگتر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است.

شایعه جایی مطرح می‌شود که زمینه دسترسی به اخبار موثق امکان‌پذیر نباشد. شایعه انتقال شفاهی پیامی است که برای برانگیختن باور مخاطبان و همچنین تأثیر در روحیه آنان ایجاد می‌شود. مطالب کلی شایعه باید حول محورهای اساسی و مهمی باشد که مخاطب نسبت به آن‌ها حساسیت بالایی دارد. «بهترین شیوه برای القای پیام مورد نظر فرستنده پیام، در زمان‌هایی که پخش پیام به‌طور شفاف و روشن امکان‌پذیر نیست یا در مواقعی که فکر می‌کنند با مشکلات قانونی روبه‌رو می‌شوند، استفاده از کنایه و اشاره و تفرقه اندازی و دروغ‌گویی است.

نهایتاً جاسوسی به‌عمل شخصی گفته می‌شود که با عناوین غیرواقعی و تقلب، اقدام به کسب اطلاعات، نقشه‌ها یا مدارک و اسناد مخفی و محرمانه کرده و اسرار نظامی، اقتصادی و سیاسی را تسلیم مأمورین حکومت مدنظر و مخالفین آن حکومت کند.

جاسوسان نقش‌های متفاوت دارند: فردی است که از منبع یا منابع، اطلاعات را جمع‌آوری کرده و به‌استخدام یک سرویس اطلاعاتی درآمده ولی عضو رسمی آن سرویس نیست. ممکن است تعداد عوامل زیاد باشند که در سلسله مراتب یکدیگر قرار داشته و رده بالای آن‌ها به‌عنوان سرعامل رده پائین‌تر در نظر گرفته می‌شوند. از عاملین ممکن است صرفاً در جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده نشود. بسته به‌نوع کارائی عامل‌ها پسوندهائی مانند نفوذی، فریب، نشان، مشاور و... به عامل اضافه می‌شود.

فعالیت جاسوسی به‌نحوی تغییر شکل داده و تحت شرایطی انجام می‌شود که کاملاً عادی و موجه به‌نظر آید و متناسب با محیط طبیعی استفاده‌کننده باشد؛ به‌عبارت دیگر اقدامات طرح‌ریزی شده‌ای که به‌فرد جاسوس و نفوذی اجازه می‌دهد عملی را که نمی‌تواند به‌طور آشکار انجام دهد بدون برانگیختن شک و گمان انجام دهد.

برخی جاسوس‌ها مکتبی هستند. اما برخی دیگر، مکتبی و ایدئولوژیک نیستند و صرفاً برای پول و مقام و جاه‌طلبی جاسوسی می‌کنند. پول ابزار سودمند هر سازمان جاسوسی است. گرچه اطمینان به جاسوسان حریص، همواره از سوی سرویس‌ها مورد تردید است ولی پول به‌عنوان انگیزه مستقل و مکمل، مورد استفاده سرویس‌ها قرار گرفته و می‌گیرد. یا بهره‌گیری از نقاط ضعف عامل در جهت اجبارش برای انجام فعالیت جاسوسی بهره می‌گیرند.

در یکی از دسته‌بندی‌ها براساس ماهیت وجودی، جاسوسی؛ هدف جاسوسی سیاسی شناخت سازمان‌ها و احزاب سیاسی و نیروهای مؤثر در کشور و خارج کشور شناسائی کادرها و رهبران آن‌ها، مبانی آن‌ها و روابط این‌گونه نهادها و ایجاد تفرقه بین آن‌ها و توطئه است.

همچنین شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر نیز از دیگر مسیرهای جاسوسی هستند. شبکه‌های اجتماعی، به‌دلایل بسیار، به‌یک بستر مناسب برای ترتیب و اجرای حملات اینترنتی، سرقت اطلاعات محرمانه و ارزشمند کاربران، انتشار و اشتراک آلودگی‌های رایانه‌ای، ویروس‌های اینترنت، لینک‌های مخرب و اجرای کلاهبرداری‌های

آنلاین تبدیل شده‌اند. هر چند مسؤلان فیس‌بوک می‌گویند برای افزایش امنیت این شبکه اجتماعی، هر کاری که لازم بوده را انجام داده‌اند و همواره به‌راه‌های جدید برای افزایش قابلیت‌های حفاظتی این شبکه مهم می‌اندیشند اما بسیاری از کارشناسان امنیتی به‌سطح اقدامات و تدابیر امنیتی اتخاذ شده به‌وسیله شبکه‌های اجتماعی خوش‌بین نیستند. شیوه عمل سرویس‌های اطلاعاتی نیز در این خصوص، به این‌گونه است که آن‌ها از طریق تخلیه اطلاعات سرقت شده، به‌شناسایی عوامل مستعد جاسوسی پرداخته و یا به بهانه‌هایی نظیر اقدامات بشردوستانه و ضدجنگ، با این افراد گفت‌وگو می‌کنند. سپس با استفاده از نقاط ضعف فردی آنان، در راستای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خود و جاسوسی علیه کشور هایشان بهره می‌گیرند.

در عین حال هنگامی که وزارت اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی، متوجه کم‌کاری و یا ضعف و کنارگیری جاسوسی می‌شود او را شدیداً تنبیه می‌کنند. برای مثال، اعلام خودکشی سعید امامی در حالی صورت گرفت که او پس از مسمومیت به بیمارستان منتقل شده و بهبود یافته بود، ولی چهار روز پس از انتقال، به‌گونه‌ای مشکوک بر اثر «ایست قلبی» از دنیا رفته بود. مطابق اظهارات همسر سعید امامی در سایت‌های نزدیک به دولت محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین ایران منتشر شد، آیت‌الله خامنه‌ای تا حدی به امامی اعتماد داشت که در سال ۱۳۶۹ تعدادی از اعضای خانواده‌اش را در جریان سفری دو ماهه به لندن به او سپرده بود.

با وجود همه این سوابق، پس از اعلام خبر خودکشی سعید امامی، نخستین ادعاهای بازجویان او در محافل سر بسته، به «اعترافات» سعید امامی در مورد زندگی شخصیش مرتبط بودند. مثلاً این ادعای دروغ که او از ۱۱ سال پیش رفتار جنسی خاصی داشته که در حکومت اسلامی مجازات اعدام دارد.

بی‌تردید بلایی که سر سعید امامی و زنش آوردند خود او در زمامداریش در وزارت اطلاعات بر سر هزاران هزار انسان آورده بود بنابراین داستانی سعید امامی می‌تواند درس عبرتی برای همه جاسوسان به‌ویژه برای خرده‌جاسوسان باشد! حتی گاهی برخی افراد بی‌بضاعت و راه‌گم کرده، در خصومت و دشمنی با فعالین سیاسی و فرهنگی اطلاعات آن‌ها را بدون جیره و مواجب با یک تلفن در اختیار ارگان‌ها سرکوب و ترور از جمله سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های و مساجد و مراکز به اصطلاح فرهنگی حکومت اسلامی در خارج کشور که اساساً مراکز جاسوسی و تهدید و ترور هستند.

صدر جاسوس و تروریست به‌خارج از کشور از عراق تا لبنان و فلسطین و سوریه و از باکو تا تایلند، از ارپا تا امریکا و... از ارمغان‌های بعد از جنگ هشت ساله ایران و عراق است که با هماهنگی خمینی و رفسنجانی و خامنه‌ای صورت گرفته است و همان سیاست ترور و صدور تروریسم، بعدها توسط خامنه‌ای ادامه یافت که در حال حاضر سرمایه‌های هنگفتی از نیروی نظامی تا سلاح‌های سبک و سنگین برای جنگ‌های داخلی افغانستان، سوریه، عراق، یمن و... فرستاده می‌شود، فقط یک قلم از کمک‌هایی که به تروریست‌های عراق می‌شود و سال‌ها پیش مطرح شده است حقوق و دستمزد بیش از ۳۲ هزار نفر از افرادی است که برای کارهای تروریستی حکومت در عراق فعالیت می‌کنند. (حدود ۲ میلیارد دالر ماهانه برای تروریست‌های عراق هزینه می‌کند) به این رقم هزینه‌های جنگ داخلی سوریه، حزب‌الله لبنان، حماس، یمن، افغانستان و... را نیز اضافه کنید سر به فلک می‌کشد.

در هر صورت حکومت اسلامی ایران، به‌عنوان یک حکومت ترور و وحشت و اعدام و سنگسار و دشمن آزادی بیان و اندیشه و تشکل مستقل در افکار عمومی مردم ایران و جهان معروف شده است از این‌رو هر جریانی و فردی چه مستقیم و چه غیرمستقیم به این حکومت نزدیک شود بلافاصله رسوا می‌گردد.

به‌علاوه آن نیروهائی که در جهت سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت اسلامی با هدف برپائی یک جامعه نوین آزاد و برابر و عادلانه و انسانی در ایران مبارزه می‌کنند هرگز کمترین هراسی از این حکومت سنگسار و اعدام و ترور ندارند تا چه برسد به‌تهدیدات افراد و شبکه‌های جاسوسی بی‌مایع و دست‌چندم آن! بی‌تردید دیر یا زود این حکومت جانی با قدرت و مبارزه و همبستگی همه نیروهای آزاده و ستم‌دیده و استعمارشده به همان گورستانی فرستاده خواهد شد که سی و هشت سال پیش حکومت پهلوی را فرستادند. آن موقع است که ماسک از چهره افراد آلوده به‌سیاست‌های حکومت اسلامی برافتد و روشنائی بر تاریکی پیروز گردد! این مطلب را با ترانه سرودی سیاسی - عاشقانه که به دوران انقلاب مشروطیت برمی‌گردد به پایان می‌برم.

سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی

سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی - ما را ز سر بریده می‌ترسانی
ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم - در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم
در محفل عاشقان خوشا رقصیدن - دامن زبساط عاقبت برچیدن
در دست سر بریده خود بردن - در یک یک کوچه کوچه‌ها گردیدن
سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی
ما را ز سر بریده می‌ترسانی
ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم
در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم
هرجا که نگاه می‌کنم خونین است - از خون پرنده‌ای گلی رنگین است
در ماتم گل پرنده می‌موید و گل - از داغ دل پرنده داغ آچین است
فانوس هزار شعله اما در باد
می‌سوزد و سرخوش است و چین و آچین است
یعنی که به اشک و مویه خود گم نکنی
از عشق هر آنچه می‌رسد شیرین است
سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی - ما را ز سر بریده می‌ترسانی
ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم - در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم
در آتش و خون پرنده پر خواهد زد
بر بام بلند خانه پر خواهد زد
امشب که دوباره ماه بالا آمد
می‌آید و باد پشت در خواهد زد
یک ساقه سبز در دلم خواهد کاشت
مهتاب بر آن شبنم تر خواهد زد
صد جنگل صبح در هوا می‌شکند
خورشید به شاخه‌ها شرر خواهد زد
سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی - ما را ز سر بریده می‌ترسانی

ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم - در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم

*ترانه ۳۰۰ گل سرخ توسط داریوش و روزان اجراء شده است.

ریشه «سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی»، به انقلاب مشروطیت می‌رسد. جالب است که درباره ارتباط این شعر شورانگیز با حضور یک جوان امریکائی در مبارزات مشروطه در کنار مشروطه‌خواهان تبریز است. این جوان «نصرانی» در نهایت با گل‌وله قزاق‌ها کشته می‌شود.

شعر این ترانه زیبا را، شاعری به اسم «محمد اصفهانی»، با الهام از شعر یک ترانه عصر مشروطیت و با تکرار شاه بیت اون ترانه قدیمی به‌عنوان موتیف (ترجیع‌بند) ترانه جدید سروده است.

اصل و منشای اصلی ترانه «سیصد گل سرخ» به‌یکی از تصنیف‌های قدیمی و عاشقانه عصر مشروطیت، که نزد محققین تاریخ موسیقی ایرانی و موسیقی‌دانان قدیمی با عنوان «تصنیف عاشقانه آفتاب به سر درخت ناربدان» مشهور است، باز می‌گردد. تصنیفی که گرچه مضمونی عاشقانه دارد اما بدون تردید از اوضاع سیاسی عصر مشروطیت هم تأثیر پذیرفته است.

سه‌شنبه چهاردهم دی [جدی] ۱۳۹۵ - سوم جنوری ۲۰۱۷